

1- « هو أقرب شخص لي وإن كان بعيداً مني مسافات! » : ریاضی وتجربی خارج 99 عربی 11 درس 1

(1) او شخص نزدیکی به من است هر چند که مسافتهایی از من دور شده است!

(2) او اگرچه مسافتها از من دور شده است ولی شخص نزدیک تر به من اوست!

(3) نزدیک ترین فرد به من کسی است که از من مسافتهایی دور شده باشد!

(4) او نزدیک ترین فرد به من است اگرچه از من مسافتها دور باشد!

2- « هذا جميلٌ جداً أن تجعلَ علوكَ صديقاً ، و الأجلُ منه هو ألا تفتحَ بوابةَ قلبك للعداوة ، بل تُسبِّبَ تحويلها إلى

صداقة!»: اختصاصی انسانی داخل 99

(1) این جداً زیباست که دشمنت را دوست بگردانی ، و زیباتر این بود که دروازه قلب خود را برای دشمن نگشایی ، بلکه باعث تحوّل آن به دوستی بشوی!

(2) این بسیار زیباست که دشمن خود را دوست بگردانی ، و زیباتر از آن اینست که دروازه قلبت را برای دشمنی نگشایی ، بلکه سبب تبدیل آن به دوستی بشوی!

(3) این زیباست جداً که دشمن را دوست خود گردانده ای ، و زیباتر از آن اینکه دروازه قلب خود را به روی دشمنی باز نکرده ای ، تا سبب شوی دوستی به دشمنی تحوّل پیدا کند!

(4) این چقدر زیباست که دشمن خود را دوست گردانده ای ، اما زیباتر این است که دروازه قلبت را برای دشمنی باز نکنی ، بلکه سبب شوی آن دشمنی به دوستی تبدیل شود!

3- «عالم ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!». عین الصّحیح: تجربی 99 عربی 11 درس 1

(1) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه!

(2) الأعم الناس من قد يجمع على علمه علم الناس!

(3) الأعم من الناس الذي يجمع علم الناس إلى علمه!

(4) أعلم من الناس هو الذي قد جمع إلى علمه علم الناس!

4- « در ترازو چیزی سنگین تر از خوی نیکو نیست! ». عین الصّحیح: هنر 99 عربی 11 درس 1

(1) ليس الشيء في ميزان أثقل من حسن الخلق!

(2) في ميزان الشيء ليس ثقیل مثل حسن الأخلاق!

(3) في الميزان ليس شيء ثقيل من الأخلاق الحسن!

(4) ليس شيء أثقل في الميزان من الخلق الحسن!

5- عین الصّحیح للفراغات: اختصاصی انسانی خارج 99

« دراسة ثقفة نقل التقط مهمة، قد تُستخدم آلات تستغرق وقتاً أقل و هي أرخص!»:»

..... هزینه انتقال نفت مهم است، گاهی وسائلی که وقت کمتری می گیرد و است!

(1) برآورد / بکار می بریم / ارزان

(2) بررسی / بکار برده می شود / ارزاتر

(3) تحقیق کردن / بکار می بریم / ارزاتر

(4) مطالعه کردن / بکار می برند / ارزان

6. عین الصّحیح: درس 1 ص 11 و درس 2 ص 18 / زبان خارجه 98

(1) الذّنوب الكبيرة: إثم

(2) الذي يقبل التوبة: تائب

(3) من لايراعي القانون: مشاغب

(4) من يتكلم بصوت ضعيف: همس

7- عین الخطأ: ص 4 / اختصاصی انسانی داخل 98

(1) «الغبية» هي أن تذكر الآخرين بما يكرهون!

(2) «الميت» هو الذي قد خرجت روحه من بدنه و لا يتنفس!

(3) «التجسس» سعي لمعرفة أمور الآخرين و هو من قبائح الأمور!

(4) «الحجرات» جمع حجرة، و هي سورة في القرآن مشهورة

بالعروس!

8- «..... البضائع فالتاس طلبوا من الحكومة أن!» «عين المناسب للفراغات : ص 10 / تجرّبي 98

(1) قيمة / يزداد / تُقلّ لها

(2) ثمن / كثرت / تُمّرّرها

(3) أسعار / ارتفعت / تُخفّضها

(4) ثنود / يرتفع / تُمّعها

9- عين ما ليس فيه اسم التفضيل: ص 6 و 7 / رياضي 98

(1) أتقى التاس من لا يخاف التاس من لسانه!

(2) كان من بين أصدقائي من هو أنجح التلاميذ!

(3) أعلم أنّ من جمع علم التاس إلى علمه فهو عليهم!

(4) إنّ اللون الأبيض أحسن لونٍ لألبسة الممرّضات!

10- عين ما ليس فيه «اسم التفضيل»: ص 6 و 7 / زبان خارجه 98

(1) أفاضلنا من يُحبّون العلم و يعلمون به!

(2) أحبّ المعلمين الذين ينفعون التاس بأعمالهم!

(3) حُسن الخلق أثقل الأعمال عند الله من عباده!

(4) أحبّ إخواننا من يُرشدوننا إلى فهم عيوبنا بكلامٍ لين!

11- عين كلمة «خير» ليست اسم التفضيل: ص 7 / هنر 98

(1) الخير في ما وقع!

(2) خير التاس من يُجبر نفسه على الخير!

(3) خير الأعمال أوسطها!

(4) أحبّ أن أقوم بخير الأعمال في الحياة!

12- عين الخطأ عن اسم التفضيل: ص 6 و 7 / عمومي رياضي خارج کشور 98

(1) الحديقة الصغرى مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار!

(2) الإخوان الذين يساعدوننا في أمورنا الصعبة خير إخوان في حياتنا!

(3) إنّ الأعمال التي نعملها لكسب الحلال فضلى من بقية أعمالنا!

(4) ساعات تفكرنا في اليوم الواحد أقلّ من نومنا عادةً!

13- عين الخطأ (في التفضيل): ص 6 و 7 / عمومي انساني داخل 98

(1) لا شك أنّ لغة القرآن أبلغ من جميع اللغات الأخرى!

(2) إنّ أختي الصغرى هي التلميذة الكبرى في الصف!

(3) معلّمونا في المدرسة من أفاضل معلّمي البلاد!

(4) هذه التلميذة صغرى من زميلاتنا في الصف!

14- عين ما فيه اسم التفضيل: ص 6 و 7 / عمومي انساني خارج کشور 98

(1) السخّيّ أكرم هؤلاء الفقراء!

(2) أنا أعلم أنّ هذا ليس مفيداً!

(3) هو عصي ربّه فندم على عمله!

(4) الإجابة الحُسنى تتعلّق بأخي!

15- عين ما يدلّ على المكان: ص 9 / اختصاصي انساني داخل 98

(1) هو من مُقاتلينا!

(2) يمشون في مساكنهم!

(3) هو من مفاخر أمتنا!

(4) مصالح الأمة نحفظها!

16- عين ما فيه اسم التفضيل و اسم المكان معاً: رياضي 99 عربي 11 درس 1

(1) إنّ بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية الليل!

(2) رأيت مكتبة في مدينتنا كانت من أكبر مكاتب العالم!

(3) نُحبّ أن نشترى ما نريده بثمن أرخص و نوعية أعلى!

(4) يجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصّة في الأماكن العامّة أبيض!

717 – عين ما ليس فيه اسم التفضيل: هنر 99 عربي 11 درس 1

(1) هو في حياته أهدى منّي كثيراً!

(2) بكلامه اللين سمعنا أهدى الكلمات!

(3) صديقي أهدى إليّ كتاباً من مكتبته!

(4) أهدى عمليّ نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

18- عين وزن « أفعل » ليس اسم تفضيل: زبان خارجه 99 عربي 11 درس 1

(1) التسكوت أبلغ كلامٍ مقابل الجاهل!

(2) هذه السورة أعظم السور في القرآن الكريم!

(3) من أحسن إليك فأحسن إليه، و هذا العمل حسن!

(4) الغنى الأكبر اليأس من كلّ ما في أيدي الآخرين!

19- عين ما فيه اسم تفضيل: اختصاصي انساني 99

(1) ليتبتعد عن الأعمال التي تجعل الأراذل يحكمون علينا!

(2) أحبّ صديقي الذي يفكر في أعماله و أساليبه دائماً!

(3) كتب التلميذ واجباته مُتَأَخِّرًا فَمَا أَرْضِي مَعْلَمَهُ عَنْهُ! (4) أسخطَ الصبورُ الشيطانَ بحلمه أمامَ المشاكل!

20- عَيْنَ وزن « أفعال » ليس اسم تفضيل: اختصاصي انساني خارج 99

(1) أسعى الشباب، أخبرنا بنتيجة سعيه!

(2) إنَّ زميلي حسناً أحسن إخوته في العائلة!

(3) أهدى أخي عيوبي إليّ بعد ما أصلح نفسه!

(4) زُرت أطول الكهوف المائتة مع أحب أصدقائي!

21- عَيْن الخطأ في ضبط حركات الحروف: زبان خارجه 99 عربي 11 درس 1

(1) عالمٌ يُتَنَفَّعُ بعلمه خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!

(2) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!

(3) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَابَشُوا تَعَابُشًا سَلِيمًا!

(4) تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ!

درس دوم

22 - « مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجَحَ فِي حَيَاتِهِ فَلْيَجْعَلِ السَّعْيَ صَدِيقَهُ الْحَمِيمَ وَ التَّجَرِبَةَ مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمَ! »: ریاضی 99 عربي 11 درس 2

(1) کسی که خواسته است در زندگی پیروز گردد، تلاش را دوستی گرم و صمیمی و تجربه را مشاوری حکیم برای خود قرار می دهد!

(2) هر کسی که می خواهد در زندگی خود موفق شود باید سعی کردن را دوستی صمیمی و تجربه کردن را مشاوری دانا قرار دهد!

(3) آن که پیروز شدن را در زندگی خواسته است، دوست صمیمی اش را سعی کردن و مشاور دانايش را تجربه قرار می دهد!

(4) هرکس بخواهد در زندگی خود موفق بشود، باید تلاش را دوست صمیمی و تجربه را مشاور خردمند خویش قرار دهد!

23- «إِذَا نَعِبَ عَمَلٌ أَحَدٍ ثُمَّ تَهَمُّ أَنَّا كُنَّا مُخْطِئِينَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَعْتَذِرَ مِنْ مُعْتَرِفِينَ بِذَلِكَ، وَ هَذَا دَلِيلٌ عَلَى شَجَاعَتِنَا!»: ریاضی 99 عربي 11 درس 2

(1) آنگاه که عیب کار کسی را بگیریم و بفهمیم که خودمان خطاکار بودیم، باید اعتراف کرده عذرخواهی کنیم، که این دلیل بر شجاعتمان است!

(2) وقتی از کار فردی عیب می گیریم سپس می فهمیم که خطا کرده بودیم، باید ضمن اعتراف به آن، از او معذرت خواهی کنیم، و این دلیلی بر شجاعت ماست!

(3) اگر عمل کسی را عیب بدانیم آنگاه بفهمیم که خطا کرده ایم، بر ما واجب است معذرت خواهی کرده اعتراف کنیم، که این دلیلی بر شجاعت ما می باشد!

(4) هرگاه از عمل کسی عیب جوئی کنیم آنگاه بفهمیم که ما خطاکاریم، حتماً باید بخاطر آن عذرخواهی کنیم در حالیکه به آن اعتراف کننده ایم، و این دلیلی بر شجاعتمان خواهد بود!

24- «إِنَّ الْهَمْسَ الَّذِي يَمْنَعُكَ عَنِ التَّعَلُّمِ فِي الصَّفِّ، يَضْرِكُ ضَرْبًا لَا تَنْتَبِهُ إِلَيْهِ إِلَّا فِي نَهَايَةِ السَّنَةِ!»: ریاضی 99 عربي 11 درس 2

(1) آهسته سخن گفتنی که تو را از آموزش در کلاس باز دارد، کاملاً به تو ضرری می زند که متوجه آن نمی شوی مگر در پایان سال!

(2) در کلاس درگوشی سخن گفتن، تو را از آموختنی باز می دارد که به تو قطعاً ضرر می زند و متوجه آن نمی شوی مگر در پایان سال!

(3) آهسته سخن گفتن در کلاس، تو را از یادگیری باز می دارد و به تو ضرر می زند به گونه ای که فقط در پایان سال متوجهش می شوی!

(4) بیچ بچ کردنی که تو را از آموختن در کلاس باز دارد، به تو ضرری می زند که فقط در پایان سال متوجه آن می شوی!

25- «إِنْ أَمَكَّنَّا لَنَا أَنْ نُسْتَعْمِدَ الْحَدِيدَ وَ النُّحَاسَ فِي بِنَاءِ الْبُيُوتِ فَلَنَنَاجِحَ بِسَهُولَةٍ بَعْدَ أَنْ تَحْدَثَ حَادِثَةٌ!»: هنر 99 عربي 11 درس 2

(1) هرگاه امکان استفاده از آهن و مس در ساختمان خانه هایمان باشد، پس از هر حادثه ای که رخ دهد خانه ما ویران نمی شود!

(2) اگر برایمان ممکن شود که آهن و مس را در ساختن خانه ها بکار ببریم، بعد از اینکه حادثه ای اتفاق بیفتد به آسانی خراب نمی شود!

(3) هرگاه برای ما ممکن باشد، که در ساختن خانه ها از آهن و مس استفاده کنیم، بعد از اینکه حادثه ای رخ دهد خانه به ویرانی نمی انجامد!

(4) اگر ممکن باشد که در ساختمان خانه هایمان آهن و مس بکار ببریم، پس از اینکه حادثه ای اتفاق بیفتد، خانه ها بسرعت به خرابی نمی انجامد!

26- «كَادَ الْمَعْلَمُ يَبْدَأُ تَدْرِيسَهُ إِذْ دَخَلَ الصَّفَّ أَحَدُ الطَّلَابِ وَ قَطَعَ كَلَامَ الْمَعْلَمِ وَ هُوَ حَاجِلٌ مِنْ تَأَخُّرِهِ!»: زبان 99 عربي 11 درس 2

(1) معلم تدریسش را شروع می کرد که یکی از دانش آموزان با شرمندگی از تأخیر خود، وارد کلاس شد و سخن معلم را برید!

(2) نزدیک بود معلم درس خویش را آغاز کند که دانش آموزی ناگهان داخل کلاس شد و کلام معلم را با خجالت از دیرکردنش قطع نمود!

3) نزدیک بود معلم درس خود را آغاز نماید زمانی که یک دانش آموز به کلاس داخل شد و سخن معلم را برید و او از تأخیر خویش شرمنده شد!

4) معلم تدریس خود را داشت شروع می کرد ، که ناگهان یکی از دانش آموزان وارد کلاس شد و در حالی که از تأخیر خود شرمنده بود سخن معلم را قطع کرد!

27- عین الصحیح: زبان خارجه 99 عربی 11 درس 2

- 1) إنا محتاجون إلى تجارب المتقاعدين لتقدّمنا : ما به تجربه بازنشستگان نیازمندیم تا پیشرفت کنیم!
- 2) إن كان المتفجعون في الملعب، يُشجع اللاعبون : اگر تماشاچیان در ورزشگاه باشند بازیکنان را تشویق می کنند!
- 3) قد تبدأ آلاف الصعوبات بعد لحظة إهمالٍ : گاهی بعد از یک لحظه سهل انگاری هزاران مشکل شروع می شود!
- 4) من يتجسس في أعمال الآخرين فلا أمنٌ ولا راحة له : کسی که در مورد دیگران جاسوسی کند امنیت و راحتی ندارد!

28- « إذا يلتزم الإنسان بالصدق يتخلص من كل السيئات التي تضره! »: عمومی انسانی خارج 99

- 1) اگر انسان پای بند راستی و درستی باشد همه بدیهایی را که ضرر رسان به اوست، رها می کند!
- 2) هرگاه انسان به همه صداقتها ملتزم شود از بدیهایی که به او ضرر می زند خلاص می شود!
- 3) هرگاه انسان پای بند راستگویی باشد از همه بدیهایی که به او ضرر می رساند رها می شود!
- 4) اگر انسان به صداقتها ملتزم باشد بدیهایی را که ضرر رساننده به او هستند رها می کند!

29- الإحترام لا يدل على الحب دائماً، إنما يدل على حسن التربية؛ فاحترم ولو كنت لا تحب!»: عمومی انسانی خارج 99

- 1) احترام همیشه دلیل دوست داشتن نیست، فقط بر خوب تربیت شدن دلالت دارد؛ پس هر چند دوست نداشتی احترام بگذار!
- 2) احترام کردن پیوسته به دوستی راهنمایی نمی کند، بلکه بر خوب تربیت شدن دلالت دارد؛ پس با اینکه دوست نداری احترام بگذار!
- 3) احترام گذاشتن همیشه بر دوست داشتن دلالت نمی کند، فقط بر تربیت خوب دلالت دارد؛ پس احترام کن اگرچه دوست نداشته باشی!

4) احترام گذاشتن پیوسته دلیلی بر دوستی نمی باشد، فقط دلیلی بر تربیت خوب است، در نتیجه احترام کن حتی اگر دوست نداشته باشی!

30- «من يتوقف في الماضي يمكن أن يفقد مستقبله الذي يستطيع أن يكون أساس حياته!»: عمومی انسانی خارج 99

- 1) آن کس که در گذشته بماند، امکان دارد آینده ای را که احتمال دارد پایه زندگی او باشد، از دست بدهد!
- 2) هرکس در گذشته متوقف شود ممکن است آینده اش را که می تواند اساس زندگیش باشد، از دست بدهد!
- 3) کسی که در گذشته توقف کند، احتمال دارد آینده اش را از دست بدهد، در حالیکه آن ممکن است اساس زندگی او باشد!
- 4) هر کس در گذشته باقی بماند شاید آینده خود را از دست بدهد. حال آنکه آن آینده قادر است پایه زندگی او باشد!

31- «إن تحقق التوازن في الطبيعة فسنتشاهد الكائنات الحية الاستقرار فيها! »: عمومی انسانی خارج 99

- 1) اگر توازن در طبیعت محقق شود آرامش را موجودات زنده خواهند دید!
- 2) چنانچه تعادل در طبیعت وجود داشته باشد، موجودات زنده آرامش در آن می بینند!
- 3) اگر برابری در طبیعت برقرار باشد آرامش و ثبات در موجودات زنده، دیده خواهد شد!
- 4) چنانچه توازن در طبیعت تحقق یابد موجودات زنده آرامش و ثبات را در آن خواهند دید!

32- «إن لم يكن أي خطر و صعوبة في استخراج النفط لقد أصبح سعزہ رخيصة جداً!»: عمومی انسانی خارج 99

- 1) اگر هیچگونه خطر و سختی در استخراج نفت نباشد بهای آن بسیار ارزان می شود!
- 2) چنانچه هیچ خطر و سختی در استخراج نفت نباشد قیمتش خیلی پایین تر می آید!
- 3) اگر هیچ خطر و سختی در خارج کردن نفت نبود قیمت آن خیلی ارزان تر می شد!
- 4) چنانچه هیچگونه خطر و سختی ای در خارج شدن نفت نبود بهایش بسیار پایین می آمد!

33- عین غير المناسب للمفهوم: «إذا تم العقل نقص الكلام»: اختصاصی انسانی 99

1) نباید سخن گفت ناساخته شاید بریدن نینداخته!

- (2) زبان درکش ای مرد بسیار دان
 (3) حذرکن ز نادان ده مرده گوی
 (4) به گوینده گیتی برارنده است
 که فردا قلم نیست بر بی زبان!
 چو دانا یکی گوی و پرورده گوی!
 که گیتی به گویندگان زنده است!

34- «إِنْ سَمِعْتَ كَلَامًا تَعْلَمُهُ فَهُوَ تَذَكُّرٌ، وَإِنْ لَا تَعْلَمُهُ فَفِكْرٌ فِيهِ!»: ص 21 / اختصاصی انسانی داخل 98

- (1) اگر سخنی را شنیدی که آن را می دانی پس آن تذکر است، و اگر نمی دانی پس در باره آن فکر کن!
 (2) هرگاه سخنی را شنیدی که می دانستی پس آن تذکر بوده است، و اگر نمی دانی پس در مورد آن بیاندیش!
 (3) اگر کلامی را گوش دادی که آن را می دانستی پس آن تذکری است، و اگر نمی دانستی پس فکرش را بکن!
 (4) هرگاه به سخنی گوش دادی که آن را می دانی پس آن تذکری بوده است، و اگر نمی دانی پس در باره اش بیاندیش!
35- «إِنْ تَقْصِدُ أَنْ تَرْمِيَ الثُّغَابَاتِ فِي مَكَانٍ غَيْرٍ مَنَاسِبٍ، فَاعْلَمْ أَنَّكَ ضَيِّعَتَ حَقَّ النَّاسِ!»: ص 21 / اختصاصی انسانی داخل 98
 (1) اگر قصد کنی زباله ها را به مکانی نامناسب پرتاب کنی، بدان که تو حق مردم را ضایع ساخته ای!
 (2) اگر قصد کردی زباله ها را در جایی نامناسب پرت کنی، این را بدان که حق مردم را تباه ساختی!
 (3) هرگاه خواستی زباله ها را به جای نامناسبی بیندازی، پس آگاه باش که حق مردم را ضایع ساختی!
 (4) هر زمان که خواستی زباله هایی را به سمت مکان نامناسبی بیندازی، پس با آگاهی حق مردم را تباه کرده ای!
36- «إِنْ كَانَ بَثْرَ اللَّيْقَطِ فِي الطَّبَقَاتِ الصَّخْرِيَّةِ يَسْتَفْرِقُ اسْتِخْرَاجَهُ وَقَتًا طَوِيلًا!»: ص 22 / اختصاصی انسانی خارج کشور 98
 (1) چاه نفت اگر در طبقات سنگی باشد استخراجش وقت زیادی می گیرد!
 (2) چاه نفت هرگاه در طبقه هایی از سنگ بود استخراج آن وقت زیادی می گرفت!
 (3) هرگاه چاه نفت در طبقاتی از سنگها باشد خارج کردن نفتش زمان زیادی خواهد گرفت!
 (4) اگر چاه نفت در طبقه های سنگی بوده باشد خارج کردن نفت آن وقت زیادی می گیرد!

37- عَيْنُ الْخَطَا: ص 5 و 21 / زبان خارجه 98

- (1) إِنْ نَأْخُذُ مِنْ أَمْوَالِنَا تَنْقُصُ بِمَرُورِ الْأَيَّامِ،: اگر از اموالمان برداشت کنیم به مرور زمان کم می شود،
 (2) وَلَكِنْ عِنْدَمَا نَعْطِي الْأَخْرِيْنَ مِنْ عِلْمِنَا وَنُعَلِّمُهُمْ،: ولی هنگامی که به دیگران از علممان می دهیم و به آنها آموزش می دهیم،
 (3) يَكْتَسِرُ عَلْمُنَا، لِأَنَّ فِي التَّعْلِيمِ تَكَرَّرَ الدَّرْسُ لِأَنْفُسِنَا،: علممان زیاد می شود، زیرا در آموزش دادن تکرار درس است برای خودمان،
 (4) فَالْعِلْمُ أَحْسَنُ مِنَ الْمَالِ لِأَنَّهُ لَا زَوَالَ لَهُ!،: پس علم قطعاً از مال بهتر است و علم از بین نمی رود!

38- عَيْنُ الْخَطَا: ص 21 و 59 و 83 / اختصاصی انسانی خارج کشور 98

- (1) مَنْ يُحِبُّ اللَّهَ وَخِدْمَةَ عِبَادِهِ لَا تُشَاهِدُ فِي الْأَخْرِيْنَ: کسی که خدا و خدمت به بندگانش را دوست دارد آرامشی دارد که در دیگران مشاهده نمی شود!
 (2) مَنْ يَتَعَلَّمُ حَتَّى يُعَلِّمَ الْأَخْرِيْنَ وَ يَنْفَعَهُمْ فَلَاشْكَ هُوَ الْأَفْضَلُ: کسی که دانش فرا می گیرد تا به دیگران یاد بدهد و به آنان سود برساند بی شک او برترین است!
 (3) جَعَلَ اللَّهُ فِيْنَا مَنَادِيًا لِنَبْتَغَ عَنِ الْمَعَاصِي وَ إِنْ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَسْمَعَهُ: خدا در ما منادی را قرار داد تا از گناهان دور شویم اگر چه گوش ندهیم!
 (4) كُنْ مَتَفَانًا حَتَّى يَزِيدَ رَجَاؤُكَ وَ تَرَى فُرْصَ الْخَيْرِ: خوش بین باش تا امید تو افزون شود و فرصتهای خوب را ببینی!

39- عَيْنُ الصَّحِيحِ: ص 21 و 22 / هنر 98

- (1) مَنْ هُوَ صَادِقٌ فِي كَلَامِهِ فَإِنَّهُ يُعَدُّ مِنَ الْمُحْسِنِينَ: هرکس در سخن خود صادق باشد خود را از نیکوکاران بشمار خواهد آورد!
 (2) لَيْسَ الْمَظْلُومُونَ مَتَّحِدِينَ فِي الْعَالَمِ فَهَذَا يَعِيشُونَ تَحْتَ الظُّلْمِ: مظلومان جهان متحد نیستند لذا زیر بار ستم بسر می برند!
 (3) إِنْ هُوَ لَا نَاجِحُونَ فِي حَيَاتِهِمْ لِأَنَّهُمْ لَا يُضَيِّعُونَ أَوْقَاتِهِمْ: اینها در زندگی موفق هستند لذا اوقات خود را تباه نمی کنند!
 (4) إِذَا تَوَقَّعْتَ التَّجَاحَ فَلَا تَيَاسُ مِنَ الْحَصُولِ عَلَيْهِ: هرگاه انتظار موفقیت داشتی از بدست آوردن آن مأیوس مشو!

40- «مَنْ فِي الْحَيَاةِ، ف..... عَلَى اللَّهِ!». عَيْنُ الْخَطَا لِلْفَرَاعِينِ: ص 21 و 59 / هنر 98

- (1) أَرَادَتْ أَنْ تَفُوزَ / لَسْتُوَكَّلُ
 (2) يُحِبُّ أَنْ يَنْجَحَ / لَيْتُوَكَّلُ
 (3) تُحِبُّ أَنْ تَنْجَحِيَ / عَلَيْهَا أَنْ تَتُوَكَّلَ
 (4) أَرَادَ أَنْ يَفُوزَ / عَلَيْهِ أَنْ يَتُوَكَّلَ

41- «هر كس قبل از سخن گفتن بیاندیشد، غالباً از خطا ایمن می گردد!»: ص 21 / عمومی انسانی خارج کشور 98

- (1) من يُفكّر قبل الكلام يسلم من الخطأ غالباً!
- (2) من تُفكّر قبل أن تكلم سلم من الخطأ في الأغلب!
- (3) الذي يُفكّر قبل أن تكلم قد يسلم من الأخطاء غالباً!
- (4) الذي تفكّر قبل المكالمة قد سلم من الخطايا في الأغلب!

42- عَيْن ما ليس فيه أسلوب الشرط : ص 21 / تجرّبي 98

- (1) من يُحسن إلى الناس فالله يجزيه على إحسانه!
- (2) من يُعامل الناس بالسوء لينظرُ إلى عاقبة أمره!
- (3) من يلتزم بأن يكون عاملاً بما يقول فهو مؤمن!
- (4) من سار في طريق العلم لا يندم وإن تحقّل المشقة!

43- عَيْن «ما» شرطية: ص 21 و 22 / اختصاصي انساني داخل 98

- (1) ما أظلم الإنسان في حياته للضعفاء!
- (2) ما من طائرٍ إلّا و له جناحان يطير بهما!
- (3) ما عندي وصفة كتب الطيب فيها الأدوية اللازمة لي!
- (4) ما تعمل من خير في الدنيا تجد ثمرته في الآخرة!

44- عَيْن ما ليس فيه أسلوب الشرط: ص 21 / زبان خارجه 98

- (1) من لا يتدخل في موضوع لا يرتبط به يعمل عملاً عقلاً!
- (2) من رأيت من الأصدقاء يدعوك إلى الخير فتجمله تبجلاً!
- (3) من لم يقل كل ما علم فهو يُبعد نفسه عن الخطأ!
- (4) من بُعث ليتمم مكارم الأخلاق هو النبي الأكرم!

45- عَيْن جواب الشرط يختلف نوعه عن الباقي: هنر 99 عربي 11 درس 2

- (1) إن تتركوا أداء واجباتكم المدرسية ترسبوا في نهاية السنة!
- (2) إن ندم على أعمالنا السيئة نُغيّرنا بعد مدة بسهولة!
- (3) إن ينم طفلٌ صغير في الغرفة أتكلّم همساً!
- (4) إن يقطع أحدٌ كلام الآخرين فهو قليل الأدب!

46- عَيْن « ما » شرطية: زبان خارجه 99 عربي 11 درس 2

- (1) ما فعلت هذا لك حتى أتوقّع أجره!
- (2) ما تقول عنه في هذا الأمر غير صحيح!
- (3) ما تزرع في الدنيا حتى ترى نتيجته في الآخرة!
- (4) ما تطلب من الخير للآخرين فإنك ترى نتيجته!

47- عَيْن الجملة الشرطية : رياضي وتجري خارج 99 عربي 11 درس 2

- (1) من شاغب في الشارع و ضرّ المشاة!
- (2) من ضحك علينا ليؤذينا فإنه قليل الثقافة!
- (3) أحبّ من يُلازم الجهد فإنه ناجح في حياته دائماً!
- (4) من يجتهدون في حياتهم فإنهم واصلون إلى غاياتهم!

48- عَيْن ما ليس فيه الشرط : اختصاصي انساني داخل 99

- (1) من سهر في سبيل الله فهو غير باكي يوم القيامة!
- (2) من يسجل هدفاً و الحكم يقبله نجعله في فريقنا الفائز!
- (3) من استطاع أن يحصل على مشتقات التفط اكتفى بنفسه!
- (4) من يزرع شجرة الجوز يعلم أنها لا تثمر إلّا بعد عشرين سنوات!

49- عَيْن الخطأ عن « اللوحة »: عمومی انسانی داخل 99 عربي 12 درس 2

- (1) ثمارس الدروس عليها!
- (2) نكتب عليها أخباراً عامّة!
- (3) لا نجدها إلا كبيرةً و بألوان مختلفة!
- (4) نرسم عليها إشارات المرور و الصور الجميلة!

50- عَيْن الخطأ في ضبط حركات الحروف: اختصاصي انساني خارج 99

- (1) لم يلتفتوا إليه حتى أسرع إليه أحد الناس و أنقذه!
- (2) ما اسم الكهف الذي هو من أطول الكهوف المائتة في العالم!
- (3) بعد أيّ حادث تاريخي اشتدّ نقل الكلمات الفارسية إلى العربية!

درس سوم

51- «أرسلنا إلى فرعون رسولاً فقصى فرعون الرسول»: عمومی انسانی داخل 99 عربی 11 درس 3

- 1) به سوی فرعون رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!
 - 2) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تبعیت نکرد!
 - 3) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!
 - 4) پیامبری را بسوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد!
- 52- «الجمالُ هو أن تزرع وردةً في بستان، ولكنّ الأجل منهُ هو أن تفرس الحُبَّ والصِدقَ في قلب إنسان!»:

ریاضی خارج کشور 99 عربی 11 درس 3

- 1) زیبا آن است که گلی در بوستان کاشته شود، ولی زیباتر از آن کاشتن عشق و راستی در قلب انسان است!
- 2) زیبایی همان است که گلی را در یک بوستان بکاری، ولیکن زیباتر، کاشت محبت و صفا در دل انسان است!
- 3) زیبا آن است که به کاشت گلی در بوستان پردازی، ولی زیباتر از آن اینکه دوستی و راستی را در دل یک انسان بکاری!
- 4) زیبایی آن است که گلی را در بوستانی بکاری، ولیکن زیباتر از آن این است که محبت و صداقت را در قلب انسانی بکاری!

53- عین الصّحیح: عمومی انسانی خارج 99

1) الشّرف: قطعة قماش، بعض النساء یلبسنه!

2) الصّداع: وجع في الأنف تختلف أنواعه و أسبابه!

3) أنبوب: النّفط یصعد بواسطته من أعماق البئر إلى سطح الأرض!

4) الجوز: ثمرة قشرها صلب و تتناولها مع الجبنة دون أن نکسرها!

54- «کبیر من متفرّجی مبارزات کرة القدم مشتاقون أن یجلسوا في أقرب الصّفوف قبل أن یمتلئ الملعب!»: ص 35 / اختصاصی معارف خارج 98

- 1) اکثر تماشاچیان مسابقه فوتبال مشتاق نشستن در نزدیکترین ردیفها، قبل از پر شدن ورزشگاه هستند!
- 2) بسیاری تماشاچیان مسابقات فوتبال که مشتاقند در صفوف نزدیک، قبل از پر شدن ورزشگاه بنشینند!
- 3) بسیاری از تماشاچیان مسابقه فوتبال با اشتیاق در صفهای نزدیک می نشینند قبل از اینکه ورزشگاه پر شود!
- 4) بسیاری از تماشاچیان مسابقات فوتبال مشتاقند که در نزدیکترین ردیفها بنشینند قبل از اینکه ورزشگاه پر شود!

55- عین حرف «أل» معناه اسم الإشارة: ص 33 / عمومی انسانی خارج کشور 98

1) یقفّر السّنجاب الطائر بغشائه الخاص، هذا الغشاء كالمظلة!

2) الإجابة قبل أن تسمع الكلام سمعاً جيّداً من أخلاق الجهلاء!

3) لا تقدر أن نرى جناحي الطّان لأنّ سرعة حركة الطّان كثيرة!

4) يا ربّ؛ أعوذ بك من قلب لا یخضع، كأنّ القلب یبتعد عن ربّه!

56- «اسبهائی را دیدم، آن اسب ها کنار صاحبشان بودند!»: ص 33 / تجرّبی 98

- 1) نظرتُ أفراساً، و كانت أفراس في جنب صاحبها!
- 2) شاهدتُ الأفراس التي كانت في جنب صاحبها!
- 3) وجدتُ الأفراس و هي كانت جنب صاحبها!
- 4) رأيتُ أفراساً، كانت الأفراس جنب صاحبها!

57- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف: ریاضی 99 عربی 11 درس 3

1) ثمرة العلم إخلاص العَمَل!

2) عالِمٌ یَنْتَمِعُ بعلمه خیرٌ من أَلْفِ عابِد!

3) تُؤدّي الدّلافین دوراً مهمّاً في الحَرَبِ و السّلم!

4) الشّجرة الخائفة شجرة تنمو في بعض الغابات الاستوائية!

58- عین الخطأ فی ضبط حركات الحروف : ریاضی وتجربی خارج 99 عربی 11 درس 3

- (1) أتقى التائب من قال الحق في ما له و ما عليه!
- (2) العنب البرازيلي شجرة تختلف عن باقي أشجار العالم!
- (3) الدلائل تُساعد الإنسان على اكتشاف أماكن تجمع الأسماك! (4) لكثير من الشعراء الإيرانيين مُلغعات، منهم حافظ الشيرازي!

درس چهارم

59- عین الخطأ: ریاضی وتجربی خارج 99 عربی 11 درس 4

- (1) قلّة الكلام من آداب من عودوا لسانهم عليها : کم سخن گفتن از آداب کسانی است که زبانشان را به آن عادت داده اند!
- (2) طوبی لمن يحفظ نفسه من الزلل بالتفكر المستمر: خوشا به حال کسی که با اندیشیدن مداوم ، خودش را از لغزش حفظ می کند!
- (3) لعقول المستعین قدر فكلهم على ذلك القدر: عقلهای شنوندگان قدر و اندازه ای دارد پس سخنان آنها به اندازه همان است!

(4) يُحَدِّث الجاهل بما يخاف تكذيبه و لذلك يندم: نادان از چیزی سخن می گوید که از تکذیبش می ترسد و به این دلیل، پشیمان می شود!

60- «طوبی لمن يُعوّد لسانه على الكلام اللين حتى لا يخاف الناس منه بل يقبلون عليه!»: تجربی 99 عربی 11 درس 4

- (1) خوشا به حال کسی که زبان خود را به کلام نرم عادت دهد تا مردم از او ترسند بلکه به او روی آورند!
- (2) حزم آن کس که زبان او به سخن لطیف عادت نماید تا زمانی که مردم از او ترسند و او را قبول داشته باشند!
- (3) خوشا آن کس که زبانش را به کلامی لطیف عادت دهد تا نه تنها مردم از او ترسند بلکه به او روی آورند!
- (4) خوش به حال آن کسی که زبانش به سخن نرم عادت کند تا اینکه مردم از او ترسند و نیز او را بپذیرند!

61- « هؤلاء الأصدقاء الأوفياء لا يكذبون أبداً قد عودوا أنفسهم على الصراحة في الكلام! » : ریاضی خارج کشور 99 عربی 11 درس 4

- (1) این دوستان باوفا هرگز دروغ نمی گویند زیرا آنان خود را به صراحت در سخن عادت داده اند!
 - (2) این دوستان باوفا ابداً دروغ نمی گویند برای اینکه آنها به صریح گفتن خویش عادت کرده اند!
 - (3) اینها دوستان باوفائی هستند که هرگز دروغ نمی گویند زیرا آنان به صراحت خود، عادت کرده اند!
 - (4) اینها دوستان باوفایند که ابداً دروغ نمی گویند برای اینکه خودشان را به صریح گفتن، عادت داده اند!
- 62- « إن الفخور يمشي مرحاً و هذا نموذج تروبي لمن يتعلم الأدب ممن ليس له أدب! »: اختصاصی انسانی داخل 99
- (1) فخر فروش راه رفتنی متکبرانه دارد ولی برای آنکه ادب را از بی ادبان می آموزد نمونه ای تربیتی است!
 - (2) فخر فروش خودخواهانه راه می رود و این الگویی تربیتی است برای کسی که ادب را از کسی می آموزد که ادب ندارد!
 - (3) فخر فروش نوع راه رفتنش خودخواهانه است ولی برای آنکه ادب را از کسی که ادب ندارد یاد می گیرد، یک نمونه تربیتی است!
 - (4) فخر فروش چون متکبران راه می رود و این نمونه تربیتی برای کسی است که ادب را از کسی که در او ادب نیست آموخته است!

63- « سخن بگوئید تا شناخته گردید، زیرا شخص در زیر زبانش پنهان شده است! » : عین الصحیح : ریاضی وتجربی خارج 99 عربی 11 درس 4

- (1) تحدّثوا تعرفوا فالمرء محبوب في لسانه!
- (2) تكلموا تعرفوا فإن المرء محبوبٌ تحت لسانه!
- (3) تحدّثوا كي تعرفوا فكل شخص مخفي من لسانه!
- (4) تكلموا حتى تعرفوا لأن كل شخص مخفي خلف لسانه!

64- «امروز کتابی خریدم که قبلاً آن را دیده بودم!» زبان خارجه 99 عربی 11 درس 4

- (1) هذا يوم اشتريت الكتاب و رأيت قبل هذا!
- (2) اشتريت اليوم كتاباً قد رأيت من قبل!
- (3) هذا اليوم اشتريت كتاباً رأيت قبل هذا!
- (4) قد اشتريت اليوم الكتاب و رأيت من قبل!

65- عین غير المناسب للمفهوم : « إذا كان الصبر مُراً فعاقبته حلوة! » : اختصاصی انسانی داخل 99

- (1) نیست رنگی که بگوید با من اندکی صبر، سحر نزدیک است!
- (2) ساختم با آنکه عمری سوختم سوختم یک عمر و صبر آموختم!
- (3) صبر بر جور رقیب، چه کنم گر نکنم همه دانند که در صحبت گل خاری هست!
- (4) چه خوش است در فراقی همه عمر صبر کردن به امید آن که روزی به کف اوفتد وصالی!

66- «لما دخلت المكتبة شاهدت طالباً يطالعون دروسهم بجد!»: ص 47 / هنر 98

- (1) وقتی وارد کتابخانه شدم دانش آموزانی را دیدم که با جدیت دروس خود را مطالعه می کردند!
- (2) آنگاه که به کتابخانه داخل شدم دانش آموزان را دیدم که دروس خود را با جدیت مطالعه می کنند!
- (3) آنگاه که وارد کتابخانه ای شدم دانش آموزانی را مشاهده کردم که با جدیت درسهای خود را مطالعه می کنند!
- (4) وقتی داخل کتابخانه ای شدم دانش آموزان را مشاهده کردم که بطور جدی درسهای خود را مطالعه می کردند!

67- «قرأت کتاباً مؤلفه لم یکن قادراً علی تحریک یده ولکنه یرسم و ینشد و یؤلف!»: کتابی خواندم کهص 48/ اختصاصی انسانی داخل 98

- (1) مؤلفش قادر نبود دستش را حرکت دهد ولی نقاشی هم می کرد و شعر می سرود و تألیف می کرد!
- (2) نویسنده آن قادر به حرکت دادن دستش نبود ولیکن نقاشی می کرد و شعر می سرود و تألیف می کرد!
- (3) نویسنده اش توان حرکت دادن دست خود را ندارد ولی نقاشی می کند و شعر می سراید و تألیف می کند!
- (4) مؤلف آن نمی توانست دست خویش را حرکت دهد ولیکن نقاشی هم می کند و شعر می سراید و تألیف می کند!

68- عین الخطأ: ص 47 / اختصاصی انسانی خارج کشور 98

- (1) هل عملت حتی الآن عملاً یتیر إعجاب الآخین، آیا تاکنون کاری انجام داده ای که تحسین دیگران را بر انگیزد،
- (2) هناك معوّقون یعلمون عملاً عجیبه و هم یواجهون مشاكل، معلولانی وجود دارند که با وجود روبرو شدن با مشکلات کارهای عجیبی انجام داده اند،

- (3) إنّ الطفل الذی صار أعمی تظنّ أنه لن یقدر أن یعمل عملاً، کودکی که کور شده گمان می کنی که نخواهد توانست کاری انجام دهد،
- (4) ولکننا عندنا عُمی قد حصلوا علی جوائز کبیره! ولیکن ما ناینیایانی داریم که جایزه های بزرگی را بدست آورده اند!

69- «سخن گفتن را آدابی است که گوینده باید بدانها عمل کند!»: ص 44 / اختصاصی معارف خارج کشور 98

- (1) للتکلم آداب من اللّازم علیک أن تعمل بها!
- (2) للكلام آدابٌ یجب علی المتکلم أن یعمل بها!
- (3) الکلام له آداب من الواجب علینا أن نعمل بها!
- (4) التکلم فیه آدابٌ یلزم علی من یتکلم أن یراعیها!

70- عین مضارعاً یمکن أن یُعادل «الماضی الاستمراری» فی الفارسیة: ص 47 / عمومی انسانی داخل 98

- (1) سَنجد برنامجًا لک یعینک فی دروسک کلّها!
- (2) شاهدتُ مناظر فی طریق السفر یُعجبنی جمالها!
- (3) العاقل یسنشیر الصادق فی أمره حتی یقرّبه من الحقائق!
- (4) بعضنا یحدّث بکلّ ما یسمع به، و هذا عمل غیر صحیح!

71- عین ما فیه توصیفٌ للتکررة: ص 47 / هنر 98

- (1) أحبّ أن أزور «حامداً» وهو غائبٌ عنا منذ سنة!
- (2) الکعبة الشریفة بناء مقدّس بناه «إبراهیم» علیه السلام!
- (3) عُرف «حافظ» عارفاً و هو قد استفاد من لغة القرآن فی آیاته!
- (4) أسرة «صادق» ما عرفت «منصوراً» کان یشغل فی المزرعة معه!

72- عین المفعول موصوفاً بالجملة: ص 47 / عمومی انسانی داخل 98

- (1) أشکرک یا ربّی بأن حسنت خَلقی!
- (2) قد یأکل التمساح فریسة أكبر من فمه!
- (3) سجّل هدفک و اذهب إلیه بقوّة و إرادة!
- (4) أ تعرف طائرًا ینقر جذوع الأشجار لصنع العش!

73- «برنامه ای را یافتیم که مرا در آموختن عربی کمک می کند!»: ص 52 / زبان خارجه 98

- (1) حصلتُ علی البرنامج الذی یُساعد لی تعلّم العربیة!
- (2) رأیتُ البرنامج و هو یُساعدنی لتعلیم اللغة العربیة!
- (3) وجدتُ برنامجًا یُساعدنی فی تعلّم العربیة!
- (4) أخذتُ برنامجًا یُساعد فی تعلیم اللغة العربیة!

درس پنجم

74- « قررتُ مع أخي الصغیر أن نذهب غداً رأس السّاعة العاشرة و التّصف لمشاهدة آثار المتحف التّاریخیة! »:

ریاضی و تجربی خارج 99 عربی 11 درس 5

- (1) با برادر کوچکم قرار گذاشتم فردا رأس ساعت ده و نیم به مشاهده آثار تاریخی موزه برویم!
- (2) با برادر کوچکترم قرار گذاشتم رأس ساعت ده و نیم فردا به دیدن آثار موزه های تاریخی برویم!
- (3) من و برادر کوچکترم قرار گذاشته ایم فردا سر ساعت ده و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!
- (4) من با برادر کوچکم قرار گذاشتم سر ساعت ده و نیم صبح فردا برای دیدن آثار تاریخی در موزه ها برویم!

75- «الفشلُ تحمُّله صعبٌ و لكنّه يخلق لك فرصًا ستستفيد منها للتّجّاح!»: تجرّبي 99 عربي 11 درس 5

- 1) تحمل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می آفریند که از آن در پیروزی استفاده می کنی!
- 2) پذیرش شکست سخت است لکن موقعیتهایی برای تو خلق می شود که از آن برای پیروز شدن استفاده می کنی!
- 3) شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اما موقعیتهایی که برای تو خلق می کند، از آنها در پیروزی استفاده خواهی کرد!
- 4) شکست تحملش سخت است ولیکن برای تو فرصتهایی می آفریند که از آنها برای پیروز شدن استفاده خواهی کرد!

76- « ما أجمل أن ترى نهاية أحزانك الماضية لتبدأ حياة جديدة فرحة!»: هنر 99 عربي 11 درس 5

- 1) چه زیباست که پایان غمهای گذشته ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!
 - 2) چیزی زیباتر است که غمهای گذشته ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!
 - 3) چه زیباست که ببینی اندوههای گذشته ات پایان یافته برای اینکه زندگی جدید شادی شروع شود!
 - 4) آنچه زیباتر است اینست که پایان ناراحتیهای قبلی ات را ببینی برای اینکه زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!
- 77- «يجب علينا أن نقتصد في استهلاك قوّة الكهرباء حتى لا نواجه قطعها في الأيّام التي نحتاج إليها»: عمومی انسانی 99
- 1) ما باید در مصرف نیروی برق صرفه جویی کنیم تا در روزهایی که به آن نیاز داریم با قطع آن مواجه نشویم!
 - 2) صرفه جویی در مصرف انرژی برق واجب است تا با قطع شدنش در روزهایی که به آن نیاز داریم روبرو نشویم!
 - 3) لازم است در مصرف انرژی برق صرفه جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطعی آن مواجه می شویم به آن نیاز داریم!
 - 4) بر ما لازم است که در مصرف نیروی برق صرفه جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطع شدنش روبه رو می شویم به آن احتیاج داریم!
- 78- «استشر الآخرين فيما لا تعلم وإن كانوا أصغر منك ، فإن الاستشارة لا تُمَيِّز بين الصغير و بين الكبير!» :

اختصاصی انسانی داخل 99

- 1) در باره آنچه نمی دانی با دیگران مشورت کن اگرچه کوچکتر از تو باشند ، چه مشورت کردن بین کوچک و بزرگ جدا نمی کند!
- 2) در باره هرچه نمی شناسی با دیگران مشورت کن اگرچه آنها از تو کوچکتر هستند، مشورت برای کوچک و بزرگ فرق قائل نیست!
- 3) با دیگران در باره آنچه نمی دانی مشورت کن حتی اگر آنها کوچکتر باشند، زیرا طلب مشورت بین کوچک و بزرگ جدایی قائل نیست!
- 4) از دیگران در باره هرچیزی که نمی شناسی مشورت بخواه حتی اگر از تو کوچکتر بودند، پس مشورت خواستن میان کوچک و بزرگ فرق نمی گذارند!

79- «از دوستی کردن با دروغگو پرهیز، که او چون سراب است!»: عمومی انسانی خارج 99

- 1) إحذر المصادقة للكاذب، فهو كسراب! (2) إياك و مصادقة الكذاب، فإنه كالسراب!
 - 2) إياك أن تُصادق الكاذب، لأنه السراب!
 - 3) إحذر أن صادق الكاذب، فهو سراب!
 - 4) إياك أن تُصادق الكذاب، لأنه السراب!
- 80- «لاستشر الكذاب، فإنه كالسراب يقرب عليك البعيد و يُبعد عليك القريب!»: ص 61 / ریاضی 98
- 1) باشخص کذاب مشورت مکن، زیرا او چون سراب است، دور را بر تو نزدیک می نمایاند و نزدیک را دور!
 - 2) دروغزن را مورد مشورت خویش قرار مده، چه او همچون سراب بعید را به تو نزدیک می نمایاند و قریب را دور!
 - 3) با شخص دروغگو مشورت نکن، چه او مانند سراب دور را به تو نزدیک می کند و نزدیک را از تو دور می سازد!
 - 4) کذاب را مشاور خود قرار مده، زیرا او مانند سراب است که بعید را به تو قریب می کند و قریب را از تو بعید می سازد!

81- «ببلغ الصادقون بصدقهم ما لا يبلغه الكاذبون باحتيالهم!»: ص 61 / تجرّبي 98

- 1) صادقان با صدق خود به همان چیزی می رسند که کاذبان با فریبکاری خود به آن نرسیده اند!
- 2) راستگویان با راستگویی خود به چیزی می رسند که دروغگویان با حيله گری خود به آن نمی رسند!
- 3) اشخاص راستگو با صداقت خویش آنچه را بدست می آورند ، اشخاص دروغگو با حيله گری خود بدست نمی آورند!
- 4) افراد صادق با راستگویی خویش چیزی را بدست می آورند که دروغگویان با فریبکاری خود بدست نیاورده اند!

82- «اتقوا ممّا رزقناکم من قبل أن يأتي يومٌ لا بيع فيه و لا خلّة و لا شفاعة!»: ص 59 / عمومی انسانی داخل 98

- 1) از آنچه به شما روزی می دهیم اتفاق کنید قبل از آنکه روزی بیاید که در آن هیچ فروش و دوستی نیست و نه شفاعتی!
- 2) اتفاق کنید از آنچه روزی دادیم شما را، پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی!
- 3) بخشش کنید از چیزهایی که روزیتان دادیم پیش از اینکه آن روز فرا رسد که هیچ فروش و دوستی و شفاعت در آن نیست!

4) از آنچه روزی شما قرار می‌دهیم بخشش کنید قبل از اینکه آن روز بیاید که فروش در آن نیست و دوستی و شفاعت نیز نیست!

83- «أستشیر الکتاب و ما هو إلا سرابٌ یعرف الحقيقةً إلینا علی العکس!»: ص 61 / عمومی انسانی داخل 98

- 1) با دروغگو شور می‌کردم اما او فقط یک سراب بیش نبود که حقایق را معکوس به من معرفی می‌کرد!
- 2) آیا این دروغگویی که با او مشورت می‌کنی کسی جز سرابی است که حقایق را به ما وارونه می‌شناساند!
- 3) آیا با دروغگو مشورت می‌کنی، در حالیکه او فقط سرابی است که حقیقت را به ما وارونه معرفی می‌کند!
- 4) چگونه با دروغگو مشورت می‌کنی حال آنکه او چیزی جز سراب نیست که حقیقت را معکوس به ما می‌شناساند!

84- «لا یغتر بالدنیا أبداً من یعلم أنها کسراب، یری فیها ما لا وجود له!»: ص 61 / عمومی انسانی خارج کشور 98

- 1) فریب دنیا را کسی نمی‌خورد که دانسته است آن مثل سرابی است که هرگز در آن چیزی وجود ندارد!
 - 2) کسی هرگز فریب دنیا را نخورده است اگر بداند که آن مثل سراب است و در آن هیچ چیزی وجود ندارد!
 - 3) کسی که می‌داند دنیا چون سرابی است که در آن آنچه وجود ندارد دیده می‌شود، فریب دنیا را هرگز نمی‌خورد!
 - 4) هرگز فریب دنیا را نمی‌خورد کسی که می‌داند که آن چون سرابی است که در آن چیزی را می‌بیند که اصلاً وجود ندارد!
- #### 85- «قد نکره أمراً و الله جعله خیراً لک و قد تحب شیئاً و الله جعله شراً لک!»: ص 59 / عمومی انسانی خارج کشور 98
- 1) کاری را احتمالاً ناپسند می‌داری حال اینکه خدا خیر را در آن قرار داده، و چیزی را احتمالاً دوست می‌داری حال اینکه خدا شر را در آن قرار داده است!
 - 2) شاید کاری را زشت می‌داری در حالیکه خدا برای تو در آن خیر قرار داده، و شاید چیزی را دوست بداری در حالی که خدا برای تو در آن شر قرار داده!
 - 3) کاری را گاه زشت می‌پنداری در حالیکه خدا در آن خیری برایت قرار داده، و چیزی را گاه دوست داری در حالی که خدا شری در آن برایت قرار داده!
 - 4) گاهی کاری را ناپسند می‌شماری و حال اینکه خدا آن را برای تو خیر قرار داده است، و گاهی چیزی را دوست داری و حال اینکه خدا آن را برای تو شر قرار داده است!

86- عین الصحیح: ترکیبی یازدهم ص 69 و دهم ص 16 و ص 65 / اختصاصی معارف داخل کشور 98

- 1) لا تُغیروا نظام الطبیعة حتی لا تؤدّی إلى تخریبه: نظام طبیعت را تغییر ندهید تا منجر به تخریبش نشود،
- 2) لأنّ البینة جعلت راحة للإنسان و لأمنه: زیرا محیط زیست را برای راحتی و امنیت انسان قرار دادند!
- 3) ما أظلم الإنسان لنفسه في إضاعة الطبيعة: انسان با ضایع کردن طبیعت به خودش بسیار ظلم می‌کند،
- 4) كما تضرّها الأمطار الحمضية التي هي نتيجة تلوث الهواء! همانطور که بارانهای اسیدی که به او زیان می‌رساند نتیجه آلودگی هواست!

87- عین الخطأ: ص 59 / اختصاصی انسانی داخل 98

- 1) من یقصد أن یسیح فی البحر: کسی که قصد دارد در دریا شنا کند،
- 2) یجب علیه أن یتعلم کیف یسیح: باید بیاموزد که چگونه شنا کند،
- 3) لأنّ السباحة فی البحر الّذي له أمواج مرتفعة صعب: زیرا شنا کردن در دریایی که امواج بلند دارد سخت است،
- 4) و إقناذ إنسان كهذا الإنسان أصعب کثیراً! و نجات یافتن چنین انسانی بسیار سخت است!

88- عین الخطأ فی صیغة المضارع: ص 59 و 69 / عمومی ریاضی خارج کشور 98

- 1) رأیث زملائی مایوسین فقلت لهم لاتیأسون من رحمة الله!
- 2) تکلمت مع أصدقائی لیعلموا کیف یمكن لهم أن ینجحوا فی برامجهم!
- 3) إتهم حرجوا من دارهم لیذهبوا إلى المدرسة و أتم لم تخرجوا حتی الآن!
- 4) إتهم حرجن من دارهن کي یذهبن إلى المدرسة و أنتن لم تخرجن حتی الآن!

89- عین الصحیح: ترکیبی یازدهم ص 60 و 87 و دهم ص 29 و 31 و 81 / عمومی انسانی خارج کشور 98

- 1) الصيدلی: مکان یذهب المرضی إليه لشراء الأدوية!
- 2) مکیف الهواء: وسیلة لتبرید و تنظیف الهواء فی فصل الصیف!
- 3) البقاع: قطعات من الشحاب ینزل منها المطر فی فصل الشتاء!
- 4) البطاقة البریدية: تحتاج إليها عند السفر بالحافلة أو القطار أو الطائرة!

90 - عین ما لیس فی المعادل للمضارع الالتزامی الفارسی: هنر 99 عربی 11 درس 5

(1) یحذّر الشرطيّ المسافرین ألاّ یقتربوا من الأماكن الخطرة!

(2) یا أصدقاء؛ يجب أن تكونوا من المتوكلین حتی لا تأسوا!

(3) یا أيها الأطفال؛ لا تقرّبوا من هذه الحفرة لأنّها خطرة!

(4) یجتمع التلاميذ مع معلّمیهم یومیّاً لیتعلّموا العلم!

91- عین الخطأ فی ضبط حركات الحروف: عمومی انسانی خارج 99

(1) تعلّموا العلم و تعلّموا له السكينة و الوقار!

(2) تعیش الأسماك فی النهر و البحر و لها أنواع مختلفة!

(3) ازدادت المفردات العربیة فی اللغة الفارسیة بعد ظهور الإسلام!

(4) کبرت خیانة أن تحدّث أخاك حديثاً، هو لك صدق، و أنت له کاذب!

درس ششم

92- «لا تعش فی الماضي و ما وقع فیہ حتی لا یضیع مستقبلک!» : زبان خارجه 99 عربی 11 درس 5

(1) در گذشته و آنچه در آن رخ داده است زندگی مکن تا آینده ات تباہ نشود!

(2) در گذشته ها و چیزهایی که در آنها رخ داده بود زندگی مکن تا آینده تو ضایع نگردد!

(3) برای اینکه آینده خود را تباہ نسازی، در گذشته و آنچه در آن روی داد، زندگی مکن!

(4) برای تباہ نساختن آینده خویش، در گذشته و چیزی که در آن واقع می شود، زندگی منمای!

93- عین الخطأ: عمومی انسانی داخل 99 عربی 11 انسانی درس 6

(1) الأسرى: هم من الذین یغلبون فی الحرب، فیأخذهم العدو!

(2) الأسرة: أعضاء البيت الواحد یعیشون معاً کالأهل!

(3) الأميرة: من الوسائل التي تُستعمل للتوم کالفرش!

(4) الإساءة: حركة الشخص لیبلاً و نهاراً إلى مکان!

94 «انها كانت من أشهر مستشرقی القرن العاشر الهجري، و كانت تقدر أن تُلقی محاضراتها العلمیة بأكثر من خمس لغات عالمیة!»:

(1) همانا او مشهورترین خاورشناس در قرن دهم هجری بود، و قادر بود به بیش از پنج زبان جهانی سخنرانی علمی ایراد کند! ص 66 / عمومی ریاضی

خارج 98

(2) وی حقیقتاً مشهورترین خاورشناس سده دهم هجرت بوده که به بیش از پنج زبان بین المللی می توانست سخنرانی علمی کند!

(3) وی بی گمان از مستشرقان مشهور در سده دهم هجرت بود، و قدرت داشت به بیش از پنج زبان در جهان سخنرانی علمی کند!

(4) قطعاً او از مشهورترین مستشرقان قرن دهم هجری بود، و می توانست سخنرانی علمی خود را به بیش از پنج زبان بین المللی ایراد کند!

95- عین الصحیح: ترکیبی یازدهم ص 6 و 73 و 66 و 19 / ریاضی 98

(1) إتما من لم یولد و لم یولد، هو الله: کسی که زاده و زاده نشده، فقط الله است!

(2) جاءت الأم بالحبوب لفراخها الصغیرة: مادر با دانه ها نزد جوجه های کوچک آمد!

(3) ینفقون من أحسن ما یحبون أكثر من قبل: با کمال میل از نیکوترین چیزی که دوست می دارند، اتفاق می کنند!

(4) عندما یلقی الخطیب محاضرة ینصت الحضار له: وقتی سخنران سخنرانی می کرد حاضران با سکوت به او گوش می کردند!

96- عین ما فیہ التهی عن القيام بالعمل: ص 69 / عمومی ریاضی خارج کشور 98

(1) لا نجاح و لا فوز لمن یریدهما بلا جهد و عمل!

(2) لا حيلة لنا إلا التمسک بالعمل و الالتزام بالعهود!

(3) لا تبغون بأقوالکم آمالکم، فإنّ الهمة دواؤکم!

(4) لا تغتروا بما لديکم، فرتما یزول فی لحظة!

97- عین ما فیہ طلب للقيام بالفعل: ص 69 / تجربی 98

(1) لیذهبوا إلى المدرسة!

(2) قاموا لیذهبوا إلى المدرسة!

(3) لهم إتما الذهاب إلى المدرسة و إتما البقاء فیها!

(4) هم إجتمعوا للذهاب إلى المدرسة قبل فوات الفرصة!

98- عین الخطأ في ضبط الحركات: تجرّبی 99 عربی 11 درس 6

- 1) استلیم الأدوية في الصیدلیة في نهاية ممّر المستوصف!
- 2) للزرافة صوت یحذّر حیوانات حتی تبتعد عن الخطر!
- 3) إنّ الامتحانات تُساعد طُلاب المدارس لتعلّم دروسهم!
- 4) علی كلّ التاب أن يتعايشوا مع بعضهم تعايشًا سلیمًا!

99- عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات: اختصاصی انسانی داخل 99

- 1) للزرافة صوت یحذّر حیوانات حتی تبتعد عن الخطر!
- 2) نقار الخشب طائر ینقر جذع الشجرة بمنقاره عشر مرّات في الثانية!
- 3) رأیته یحب الفقیر و یفك الأسیر و یرحم الصغیر و یعرف قدر الکبیر!
- 4) بلادنا غنیة بالتیظ و هی تُصدّر قسّمًا مهمًا منه إلى البلدان الصناعیة!

درس هفتم

100- « هناك مفرداتٌ في كل لغةٍ قد دخلت فيها من اللغات الأخرى و قد أصبحت كلماتٍ لها معانٍ جديدة: »

هنر 99 عربی 11 درس 7

- 1) در هر زبان لغتهایی است که از دیگر زبانها در آن وارد شده، و معانی جدیدی برای آن ایجاد کرده است!
- 2) واژه هائی در هر زبان موجود است که از دیگر زبانها داخل آن شده و معانی جدیدی بر آن افزوده است!
- 3) در هر زبانی کلماتی وجود دارد که از زبانهای دیگر وارد آن شده و واژگانی با معانی جدید شده اند!
- 4) کلماتی در هر زبان وجود دارد که از زبانهای دیگر داخل آن شده، و معانی دیگری یافته است!

101- « ليس من الضروري أن يكون لديك أصدقاء كثيرون لتصبح ذا شخصيّة معروفة عند الناس! »: هنر 99 عربی 11 درس 7

- 1) نیازی نیست که در کنار تو دوستان زیاد باشند برای اینکه آنها دارای یک شخصیت شناخته شده نزد مردم باشند!
- 2) نیازی به این نیست که دوستان تو فراوان باشند تا اینکه دارای شخصیت شناخته شده ای نزد مردم باشی!
- 3) ضروری این نیست که دوستان زیاد باشند تا تو هم صاحب شخصیتی شهیر بین مردم شوی!
- 4) ضروری نیست که دوستان بسیاری داشته باشی تا دارای شخصیت معروفی نزد مردم شوی!

102- « كان ذلك العالم يُضي أوقاته بالمطالعة و الدراسة و لا یبتعد عن النشاط لحظةً علی رغم الظروف القاسية! »:

زبان 99 عربی 11 درس 7

- 1) تمام وقت آن عالم در مطالعه و پژوهش می گذشت و با وجود شرایط سخت یک لحظه از فعالیت دور نمی شد!
- 2) آن دانشمند اوقات خود را به مطالعه و تحقیق می گذراند و با وجود شرایط سخت، لحظه ای از فعالیت دور نمی شد!
- 3) وقت آن دانشمند به مطالعه و تحقیق می گذشت در حالیکه علی رغم شرایط سخت لحظه ای از کار دور نمی شود!
- 4) آن عالم اوقاتش را در مطالعه و پژوهش می گذراند، در حالیکه علی رغم شرایط سختش حتی یک لحظه از کار دور نمی شود!

103- عین الصحیح: عمومی انسانی خارج 99

- 1) فلنعمد علی العقلاء حتی نلتفع بعلمهم: ما باید فقط بر عاقلان اعتماد کنیم تا از علم آنان سود برده باشیم!
 - 2) لي زميلٌ مشتاق كثيرًا لزيارة الحرمین الشریفین: دوست من سخت مشتاق زیارت حرمین شریفین می باشد!
 - 3) من فکر قبل أن يتكلّم ابعد عن الخطأ: کسی که قبل از اینکه سخن بگوید، فکر کرده باشد از خطا دور شده است!
 - 4) علی الوالدین أن لا یحولا أولادهما ما لیس لهم طاقة به: والدین باید بر فرزندانشان چیزی را که طاقتش را ندارند تحمیل نکنند!
- 104- « بعض اختراعات الإنسان لیست في مجال الإعمار و البناء، لأنّه لم یستطع أن یدرک ماذا ینفعه و ماذا یضرّه! »: بعضی از اختراعات انسان

..... عمومی انسانی داخل 99 عربی 12 درس 2

- 1) در جهت آباد کردن و ساختن نمی باشد، زیرا او قادر نیست آنچه را سود می رساند و آنچه را زیان می بخشد بشناسد!
- 2) در زمینه آبادانی و سازندگی نیست، زیرا او نتوانسته است درک کند چه چیزی به او سود می رساند و چه چیزی ضرر می رساند!
- 3) در عرصه آبادانی و ساخت و ساز نیست، از آنجا که قادر به درک چیزی که برایش سودبخش است و آنچه زیانبخش است نمی باشد!
- 4) در مسیر آباد شدن و سازنده بودن نمی باشد، از این جهت که او نتوانسته است چیزی که به او سود می رساند یا زیان می زند را بفهمد!

105- «لَمَّا رَأَى الطَّيِّبُ أَتَى مَصَابَ بِالزَّكَامِ الشَّدِيدِ وَأَيْضًا عِنْدِي حُتَّى شَدِيدَةً، كَتَبَ لِي وَصْفَةً تَحْتَوِي عَلَى مَقْدَارٍ مِنَ الشَّرَابِ وَ حَبُوبِ مَسْكَنَةٍ»:

ص 85

(1) وقتی پزشک مرا دید که به زکام و تب شدید گرفتار شده ام ، نسخه ای را که برایم نوشت محتوی مقداری شربت و قرصهای مسکن بود!

تجربی 98

(2) پزشک وقتی دید من دچار زکام شدید هستم و نیز تب شدیدی دارم، نسخه ای برایم نوشت که محتوی مقداری شربت و قرصهایی مسکن بود!

(3) طیب چون دید مبتلی به سرماخوردگی سخت و تب شدید هستم، برایم نسخه ای نوشت که در آن شربتی بود و تعدادی قرص مسکن!

(4) چون طیب دچار شدن مرا به سرماخوردگی شدید و نیز تب بالا دید ، نسخه را برایم نوشت که آن شامل مقداری از شربت بود و قرصهایی مسکن!

106- « المفردات التي تدخل اللغة العربية من لغات أخرى و تتغير حروفها و أوزانها وفق اللغة العربية، تسمى الكلمات المعربة!»:»

(1) واژگانی را که در زبان عربی از دیگر زبانها داخل شده و حروف و وزن آنها طبق زبان عربی در آمده است، کلمات عربی شده نامیده اند!

ص 80 / هنر 98

(2) کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان عربی می شوند و حروف و اوزان آنها طبق زبان عربی تغییر می کند، کلمات معرب نامیده می شوند!

(3) مفرداتی را که از زبانهای دیگر وارد زبان عربی می شوند و حرفها و وزنهای آنها مطابق زبان عربی دگرگون می شوند، واژگان معرب نامیده اند!

(4) واژگانی که از زبانهای دیگری داخل زبان عربی شده اند و حروف و اوزان آنها مطابق با این زبان تغییر کرده، واژگان عربی شده نامیده شده اند!

107- «لَمَّا قَلْتُ لَصِدِّيقِي الْخَبْرَ الَّذِي كُنْتُ أَسْمَعُهُ دَائِمًا، قَالَ لِي: إِنِّي كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ هَذَا الْخَبْرَ مَرَارًا قَبْلَ هَذَا!»:» ص 83 و 89 / زبان 98

(1) آنگاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!

(2) وقتی خبری را که دائماً می شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!

(3) هنگامی که این خبر را که مرتباً می شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده ام!

(4) زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده ام!

108- «المفردات التي دخلت العربية من لغات أخرى، تسمى في اللغتين الفارسية و العربية، الكلمات الدخيلة!»:» ص 80 / ریاضی خارج کشور 98

(1) واژگانی را که از دو زبان فارسی و عربی داخل یکدیگر می شوند، در هر دو زبان واژگان دخیل می نامند!

(2) مفرداتی که از زبانهای دیگر در زبان عربی وارد شده، در دو زبان فارسی و عربی، کلمات دخیل نامیده می شوند!

(3) واژگانی را که در زبان عربی از زبان دیگری داخل می شود، در زبانهای فارسی و عربی مفردات داخل شده می نامند!

(4) مفرداتی که از زبان عربی به زبانهای دیگر وارد می شود، در زبانهای فارسی و عربی مفردات وارد شده نامیده می شود!

109- «لي الآن مكتبة كبيرة، و ما كان لي قبل هذا أكثر من مائة كتاب!»:» ص 83 / عمومی انسانی داخل 98

(1) فعلاً کتابخانه ای بزرگ دارم، ولی پیش از این فقط یکصد کتاب داشتم!

(2) کتابخانه من در حال حاضر بزرگ است، ولی قبلاً پیش از صد کتاب نداشت!

(3) اکنون کتابخانه بزرگی دارم، و حال اینکه قبل از این پیش از یکصد کتاب نداشتم!

(4) کتابخانه ای در حال حاضر دارم که بزرگ است، اما پیش از این بیشتر از صد کتاب نداشت!

110- «عین الخطأ:» ص 19 و 83 / عمومی انسانی داخل 98

(1) کُنْتُ فَرِحْتُ مِنْ أَنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ: از اینکه خوبیها، بدیها را از بین می برد، شاد شده بودم!

(2) كَادَتْ بِنْتِي تَجْهَرُ بِغَضَبِهَا عِنْدَ الصَّبُوفِ لَمَّا نَصَحَهَا: وقتی دخترم را نزد مهمانان نصیحت کردم نزدیک بود خشمش را آشکار کند!

(3) كُنَّ سَاكِنًا وَ رَاقِبًا أَنْ لَا يَجْرِي عَلَى لِسَانِكَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ: ساکت باش و مراقب باش که بر زبانت چیزی که بدان علم نداری، جاری نشود!

(4) لَمَّا بَدَأَتْ بِأَنْ تَعِيبَ الْآخِرِينَ إِعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نَفْسَهُ مِنْ أَكْبَرِ الْعُيُوبِ: وقتی شروع به عیب گیری از دیگران کردی، بدان که آن خودت از بزرگترین عیبهاست!

111- «لكل موجود سلاح يُدافع به عن نفسه غريزياً، و هذا السلاح في الإنسان عقله!»:» ص 83 / اختصاصی انسانی خارج 98

(1) برای هر موجود یک سلاح غریزی وجود دارد که از خویش دفاع می کند و انسان سلاحش عقل است!

- (2) هر موجودی سلاحی دارد که با آن بطور غریزی از خود دفاع می کند، و این سلاح در انسان عقل است!
 (3) برای هر موجودی سلاحی است غریزی که با آن خطر را از خود دفع می کند و در انسان این سلاح عقل او است!
 (4) هر موجودی سلاحی دارد که با آن از روی غریزه از خویش دفع خطر می کند، و این سلاح در انسان عقل است!
 112- «براست که بدانیم تبادل کلمات بین زبانها در جهان امری طبیعی است!»؛ ص 81 / اختصاصی انسانی خارج کشور 98

(1) يجب أن نعلم أن مبادلة الكلمات أمر طبيعي بين لغات العالم!

(2) علينا أن نفهم أن مبادلة الكلمات في لغات العالم أمر طبيعي!

(3) يجب أن نفهم أن تبادل المفردات بين اللغات أمر عادي في العالم!

(4) علينا أن نعلم أن تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي!

113- عَيْنُ الْفِعْلِ الْفَاعِلُ لَا يَدُلُّ عَلَى الزَّمَنِ الْمَاضِي: ص 83 / عمومی انسانی داخل 98

(1) كانت لها ثقافة طيبة! (2) كان الدرس مليئًا بالسؤال!

(3) كانت الأرض في الربيع مخضرة! (4) كان لهم خلق طيب في الحياة!

114- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: رياضی 98

(1) عليك بمكارم الأخلاق فإن ربي بعثني بها! عربي 10 ص 78 (2) اللهم انفعني بما علمتني و علمني ما ينفعني! عربي 10 ص 80

(3) كن صادقًا مع نفسك و مع الآخرين في الحياة! عربي 11 ص 56 (4) إتصل بصديقه مُصَلِّحَ السَّيَّارَاتِ لِكَيْ يُصَلِّحَ سَيَّارَتَهُمْ! عربي 12

ص 23

115- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ : تجرّبی 98

(1) تَجْتَهِدُ الْأُمُّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا إِجْتِهَادًا بِالْغَا! عربي 12 ص 48 (2) حاول العلماء معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة! عربي 10 ص 25

(3) لِأَنَّ الْكُتُبَ تَجَارِبُ الْأُمَمِ عَلَى مَرِّ آلَافِ السِّنِينَ! عربي 12 ص 30 (4) شَجَرَةٌ يَسْتَحْدِثُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاجٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ!

عربي 11 ص 31

116- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: هنر 98

(1) أمرهم ذو القرنين بأن يأتوا بالحديد و النحاس! عربي 10 ص 63 (2) من لا يستمع إلى الدرس جتيدًا يرسب في الامتحان! عربي 11 ص 18

(3) علق إبراهيم (ع) الفأس على كيف أصغر الأصنام! عربي 12 ص 3 (4) أتذكر خيام الخجاج في منى و عرفات و رمي الجمرات! عربي 12 ص 17

117- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: زبان خارجه 98

(1) لَمَّا رَجَعَ التَّائِسُ شَاهِدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْتَبَرَةً! عربي 12 ص 3 (2) الكأس زجاجة يشرب فيها الماء أو الشاي أو القهوة! عربي 10 ص 97

(3) ازدادت هذه الخرافات في أديان التائس على مر العصور! عربي 12 ص 2 (4) قرّر أربعة طلاب أن يعيبوا عن الامتحان فأقصلوا بالأستاذ! عربي

12 ص 56

118- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: عمومی رياضی خارج کشور 98

(1) هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضَّعُ صِغَارَهَا! عربي 10 ص 74 (2) حين زرت أنا و أمك هاتين المدينتين المقدستين! عربي 12 ص 16

(3) كيف كانت أخلاق الطالب الذي كان يلتفت إلى الوراء! عربي 11 ص 18 (4) أحب أن أكتب إنشاء تحت عنوان «في محضر المعلم»! عربي 11 ص

18

119- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: عمومی انسانی داخل 98

(1) يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصَدِيقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِإِحْتِيَالِهِ! عربي 11 ص 61 (2) لكل اختراع علمي و ابتكار وجه نافع و وجه مضر! 12 انسانی ص 20

(3) يتم التوازن في الطبيعة من خلال وجود روابط متداخلة! عربي 12 انسانی ص 48 (4) على كل التائس أن يتعاطشوا مع بعضهم تعاطشًا سليمًا!

عربي 10 ص 36

120- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: عمومی انسانی خارج کشور 98

(1) نَقَارُ الْحَسَبِ طَائِرٌ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ! عربي 11 انسانی ص 33 (2) تُعَدُّ الثَّفَائِثُ الصَّنَاعِيَّةُ تَهْدِيدًا لِنِظَامِ الطَّبِيعَةِ! عربي 12 انسانی ص 48

(3) في السنة العشرين من عمره كان عاملاً بسيطاً! عربي 11 انسانی ص 86 (4) سوقها المشهور بأنه أكبر سوق مسقف في العالم! عربي 10

انسانی ص 61

121- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: اختصاصی انسانی داخل 98

(1) الطُّلَّابُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِينَ! عربي 10 معارف ص 71 (2) سامحيني، أنت على الحق، أُبَدِّلُ لَكَ الْبَطَاقَةَ! عربي 10 ص 96

(3) مِنْ فَضْلِكَ أَعْطِنِي بِطَاقَةٍ بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ رِيَالًا! عَرَبِي 10 ص 96 (4) لِبِلَادِنَا تَجَارِبَ كَثِيرَةً فِي صِنَاعَةِ ثَقَلِ التَّفْطْرِ عَبْرَ الْأَنْبِيَاءِ! عَرَبِي

10 انساني ص 72

122- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: اِخْتِصَاصِي انْسَانِي خَارِجِ كُشُورِ 98

(1) كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُورٍ فِي خُوزِسْتَانَ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ! عَرَبِي 11 ص 9

(2) تَمَتَّحَ هَذِهِ الْجَائِزَةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى مَنْ يُفِيدُ الْبَشَرِيَّةَ! عَرَبِي 12 انْسَانِي ص 20

(3) بَدَأَ الْفَلَاحُ يُفَكِّرُ فِي سَبَبِ ذَلِكَ وَ يُرَاقِبُ الْمَرْعَةَ! عَرَبِي 12 انْسَانِي ص 49

(4) سَمِعَ الدُّلْفَيْنِ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ! عَرَبِي 10 ص 74

123- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: اِخْتِصَاصِي مَعَارِفِ دَاخِلِ 98

(1) أَصْحَكُ بَقْرَاءَةَ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةِ الذَّاكِرَةِ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النَّسِيَانِ ... عَرَبِي 10 ص 82

(2) كَانَتْ ثَلَاثِي مُحَاضِرَاتٍ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ فَهِيَ كَانَتْ كَمَا قَالَ الْإِمَامُ ... عَرَبِي 11 جَابِ 96 ص 58

(3) إِثْنَانٍ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى إِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ ... عَرَبِي 10 ص 17

(4) كُلُّ شَيْءٍ يَرْخُصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبَ، فَإِنَّهُ إِذَا كَثُرَ عَلَا ... عَرَبِي 12 ص 35

124- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: اِخْتِصَاصِي مَعَارِفِ خَارِجِ 98

(1) لَا يَسْتَطِيعُ الْكَذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ كِذْبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ! عَرَبِي 11 انْسَانِي ص 63

(2) التَّمَسَّحُ بَعْدَ أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ يَسْتَرِيحُ عَلَى الشَّاطِئِ! عَرَبِي 11 انْسَانِي ص 32

(3) كَلِمَةُ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ وَ عَوْدُ لِسَانِكَ لِيَنَّ الْكَلَامَ! عَرَبِي 11 ص 44

(4) إِنَّ اللَّهَ أَمْرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ! عَرَبِي 10 ص 80